

بسم الله الرحمن الرحیم

مجاوران خورشید : معرفی شهدای دانشگاه علوم اسلامی رضوی

نویسنده:

طیبه مزینانی

ناشر چاپی:

انتشارات آستان قدس رضوی - به نشر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مجاوران خورشید : معرفی شهدای دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مزینانی، طیبه، ۱۳۶۰ -

عنوان و نام پدیدآور : مجاوران خورشید : معرفی شهدای دانشگاه علوم اسلامی رضوی/نویسنده طیبه مزینانی ؛ به سفارش اداره کل روابط عمومی و امور رسانه آستان قدس رضوی و واحد شهدای دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۶۴ص.

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۲۹۹-۲۷۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : دانشگاه علوم اسلامی رضوی -- شهیدان

موضوع : شهیدان -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع : Martyrs -- Iran -- Biography

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع : Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ -- Martyrs -- Biography

شناسه افزوده : آستان قدس رضوی. اداره کل روابط عمومی و امور رسانه

شناسه افزوده : دانشگاه علوم اسلامی رضوی. واحد شهدای بسیج

شناسه افزوده : موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره : DSR۱۶۲۵/م۴۳۷م۳ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۳۰۶۸۴

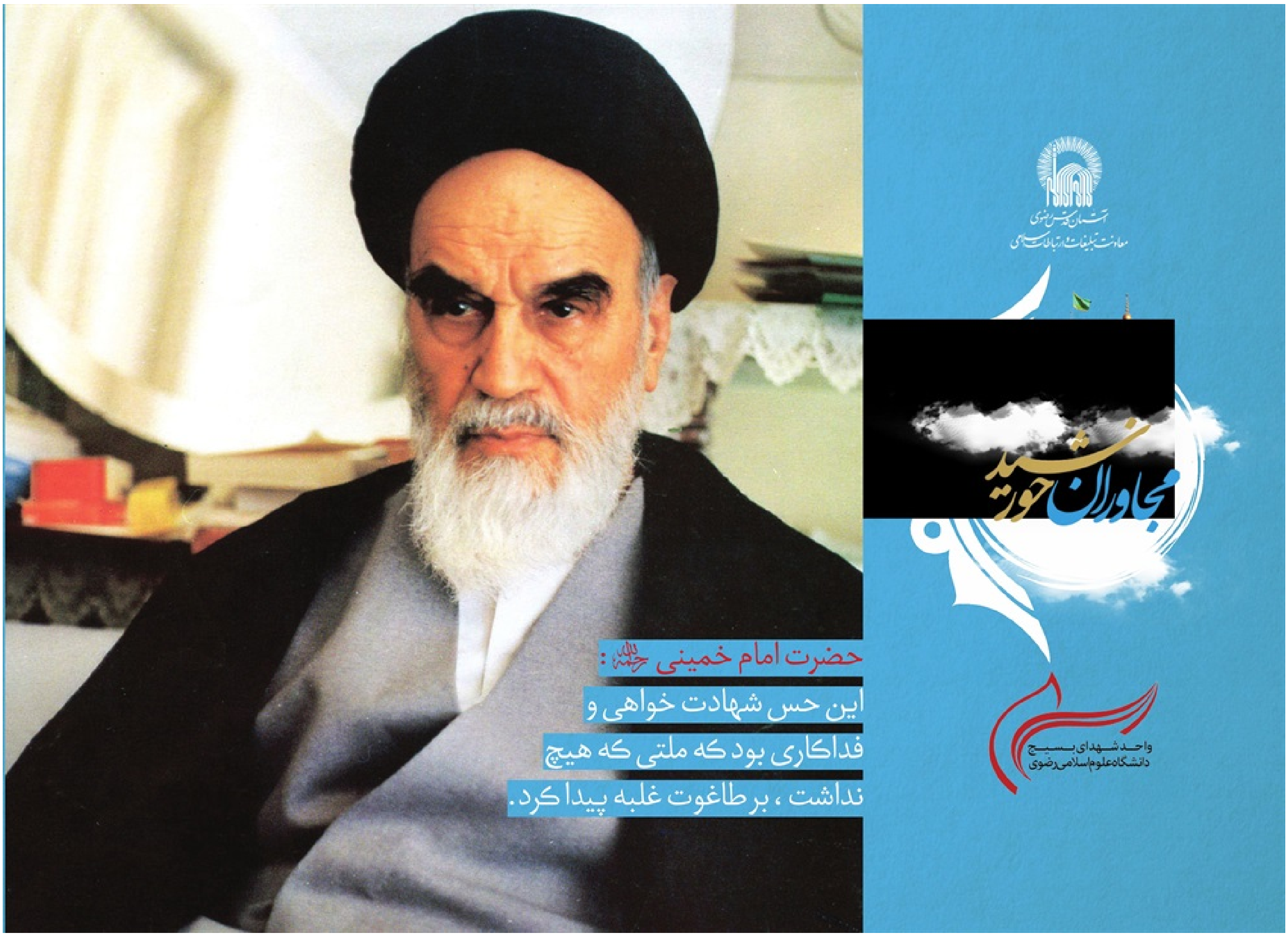
ص:۱

اشاره

تصویر


مجاوران خورشید
برگی از خاطرات
شهدای دانشگاه علوم اسلامی رضوی
واحد شهدای بسیج
دانشگاه علوم اسلامی رضوی
زائر رضوی

تصویر


آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
مجاوران خورشید
حضرت امام خمینی رحمه الله :
این حس شهادت خواهی و
فداکاری بود که ملتی که هیچ
نداشت ، بر طاغوت غلبه پیدا کرد.
واحد شهدای بسیج
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تصویر


آستان قدس رضوی
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
مجاوران خورشید
امام خامنه‌ای مدظله العالی:
هر ملتی که متکی به شهادت شد
و هنر شهادت را یاد گرفت برای
همیشه سربلند است.
واحد شهدای بسیج
دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

گمنام بودند، نه اینکه نام و نشانشان را ندانیم، نه!

می دانستیم همین دیروزترها، همین چند سال قبل، پشت

همین میز و نیمکت تهای ما، مثل همین امروز ما درس

می خواندند و درس پس می دادند و هرجا می رفتند، مثل ما

دوباره برمی گشتند به همین کلا سها؛

اما از وقتی به عشق حسین علیه السلام راهی شده بودند، دیگر نامشان

گم شده بود...!

قدمی برداشتیم تا نامشان گ م نشود و ما هم به رسم شهیدان

زندگی کنیم ...

ص:۴

تصویر



تقریظ رهبر معظم انقلاب (مدظل هالعالی)

تقریظ رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

در مورد شهید سید حسین عظیمی:

بسمه تعالی

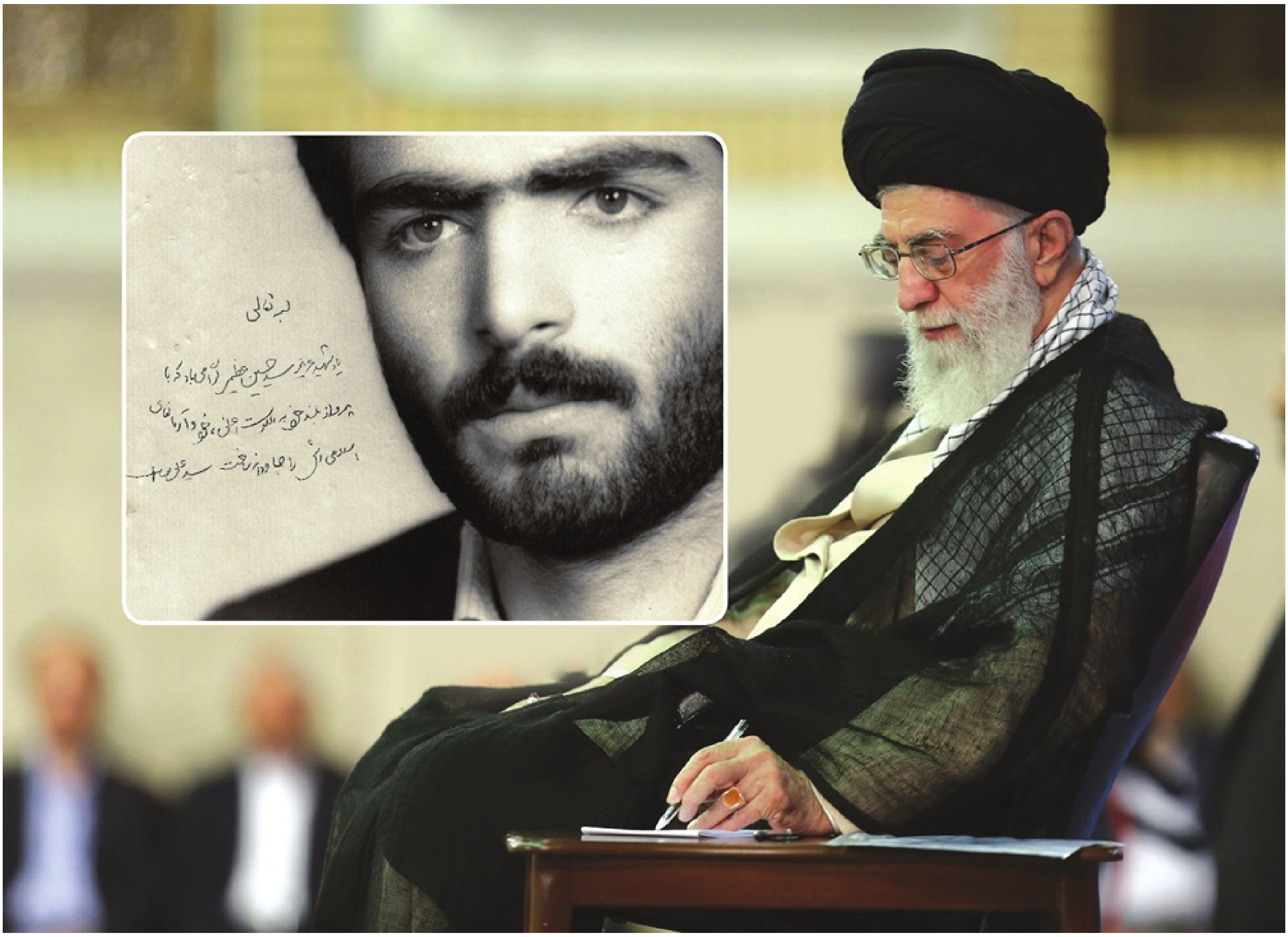
یاد شهید عزیز سید حسین عظیمی گرامی باد که با پرواز بلند

خود به ملکوت اعلی، خود و آرمانهای اسام یاش را جاودانه

ساخت.

ص:۶

تصویر



ص:۷

تقریظ آیت الله مکارم شیرازی

تقریظ آیت الله مکارم شیرازی

در مورد دانشجوی شهید مهدی اثنی عشری:

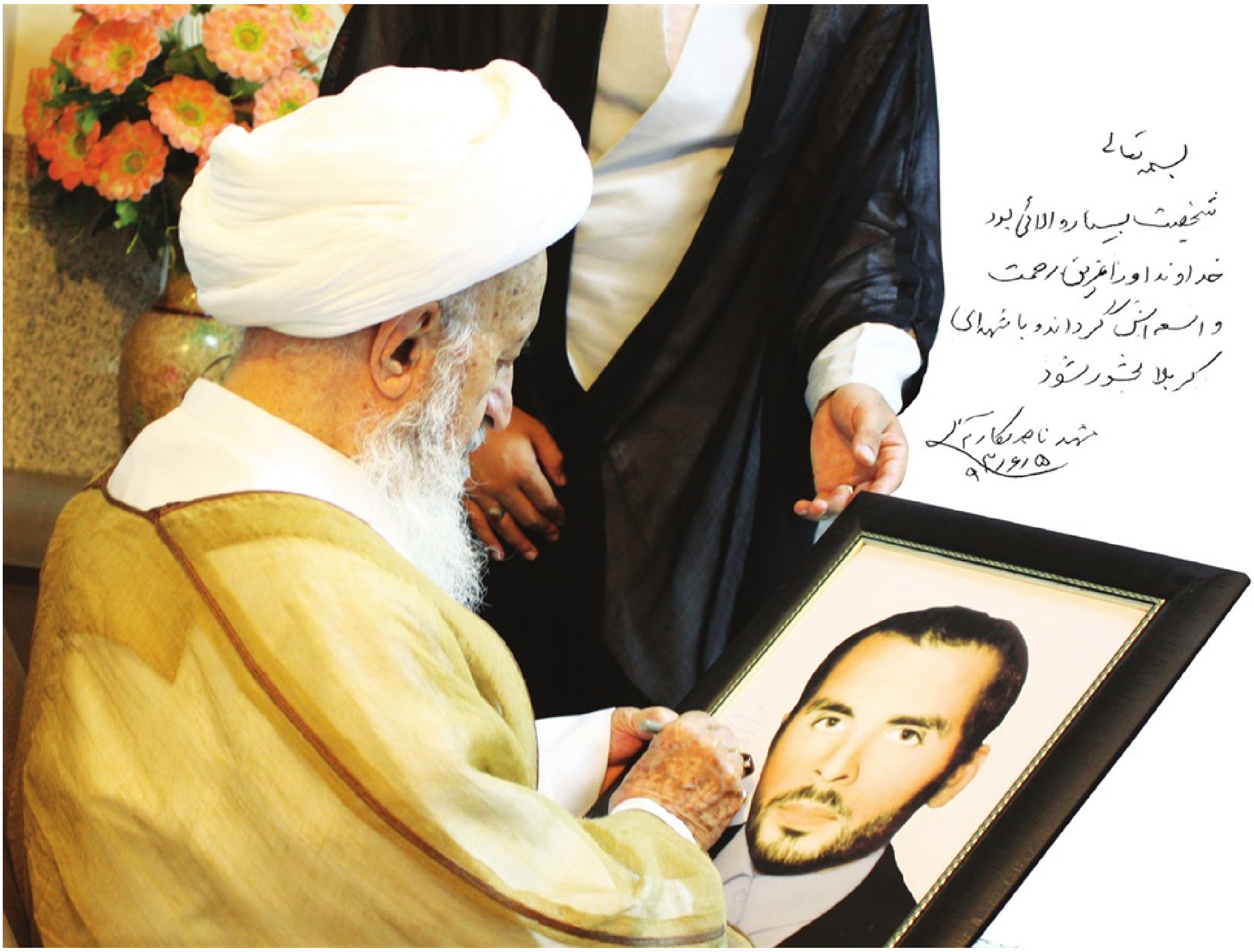
بسمه تعالی

شخصیت بسیاروالایی بود. خداوند او را غریق رحمت واسع هاش

گرداند و با شهدای کربلا محشور شود.

ص:۸

تصویر


بسمه تعالی
شخصیت بسیار والائی بود
خداوند او را غریق رحمت
واسعه اش گرداند و با شهدای
کربلا محشور شود
مشهد ناصر مکارم

تصویر



تصویر



پاهایش مانده بود داخل میدان مین. با همان وضع توانسته بود

خودش را بکشد عقب. دو روز بعد پیدایش کردیم. به درختی

تکیه داده بود و سرش به یک شانه خم شده بود. خوشحال از

یافتنش دویدیم سمتش. رویش به سمت قبله و یک مُهر نماز

هم دستش بود. معلوم بود در حال نمازخواندن، فیض شهادت

نصیبش شده.

سیدمجتبی شربتی

تصویر



شهیدسیدمجتبی شربتی

فرزند : سیدحسین تولد: مشهد ۶/ ۷/ ۱۳۴۴ شهادت: بانهٔ کردستان ۲/ ۲/ ۱۳۶۶ سن: ۲۲ سال

ص:۱۳

شهید سیدحسین عظیمی

رفته بود جبهه. خبرنگار از نام و نشانش پرسیده بودند، گفته

بود:

از مشهد آمد هایم و به مشهد م یرویم

نامم حسین است و به بارگاه حسین م یرویم...

درو غگفتن توی ذات پسرم نبود.

ص:۱۴

شهید سیدحسین عظیمی

فرزند : سیدمصطفی تولد: طالقان کرج ۱/ ۵/ ۱۳۴۱ شهادت: اروندرود ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۴ -عملیات والفجر ۸ سن: ۲۳ سال



ص:۱۵

علی عباس حسین پور

شهیدعلی عباس حسین پور

اهل خرم آباد بود علیه السلام صدایش می زدند؛ کبوترحرم

پیکرش به اشتباه آمده بود مشهد. رفقایش م یدانستند خطایی

در کار نبوده و کبوتر حرم برای آخری نبار به زیارت و پابوسی

مولایش آمده است. پیکرش را در حر م آقا علیه السلام طوافش دادند

و بعد هم روبروی قبله مسلمین گذاشتند. باز هم او پیشاپیش

همه به امامت ایستاده بود تا برای آخری نبار پشت سرش صف

بکشند و به جماعت، نماز بخوانند.

ص:۱۶

شهیدعلی عباس حسین پور

فرزند: جمعه حسین پور

تولد: خرم آباد – ۳/۵/۱۳۴۵

شهادت: منطقه عملیاتی فاو – ۲۳/۱۱/۱۳۶۴ – عملیات والفجر ۸

سن: ۱۹ سال



علیرضا نکونام

شهیدعلیرضا نکونام

سی سال است منتظرم علیرضا برگردد. میدانم برمیگردد.

آخر خودش قول داده بود این بار که برود جبهه و برگردد، دیگر

نم یرود و کنارم می ماند! آخرین بار گفته بود: این راه شهادت

دارد، اسارت دارد مفقودی دارد، اگر شهید شدم در راه امام

حسین علیه السلام است، اگر اسارت بود در راه حضرت زینب علیها السلام و اگر

مفقودی بود، در راه حضرت زهرا علیها السلام است...

میدانم پسرم راه حضرت زهرا علیها السلام رفته و هنوز باید منتظرش

بمانم.

علیرضا نکونام

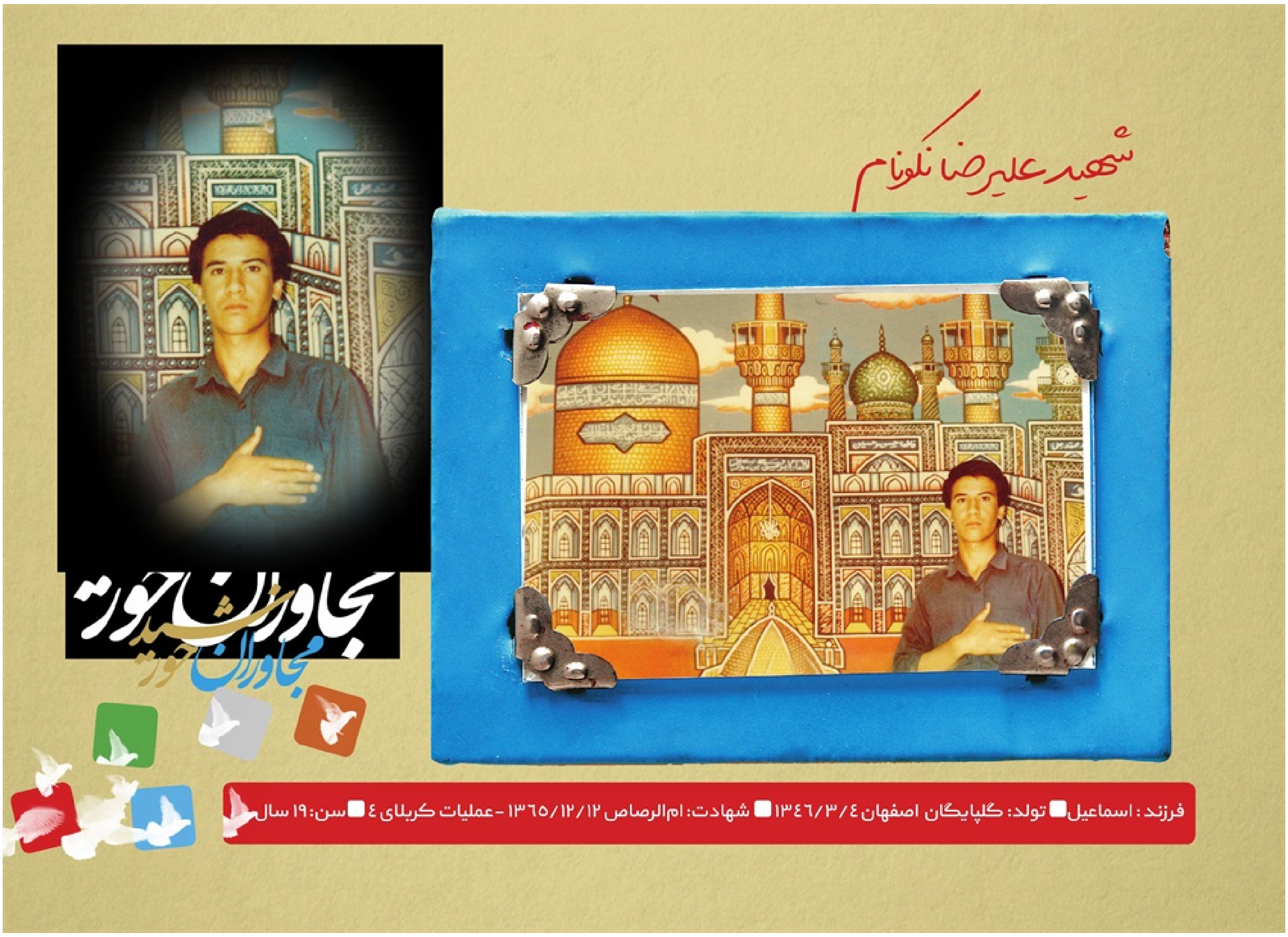
ص: ۱۸

فرزند: اسماعیل نکونام و سیده زهرا سیادتی

تولد: سعیداباد گلپایگان اصفهان – ۴/۸/۱۳۴۶

شهادت: ام الرصاص –۴/۱۰/۱۳۶۵ – عملیات کربلای ۴

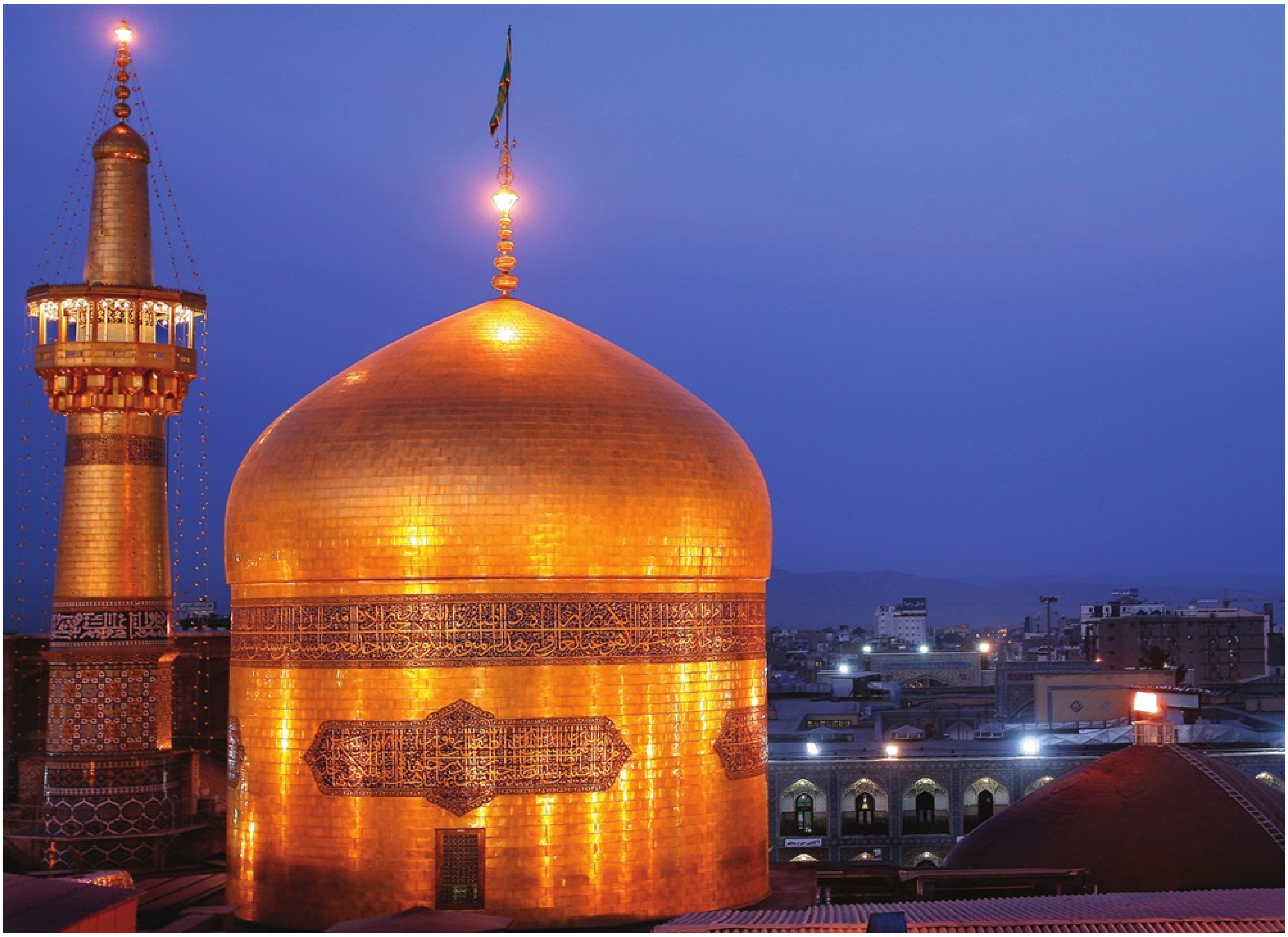
سن: ۱۹ سال



تصویر



تصویر



ص:۲۱

حسینعلی زارع شبلی

شهید صادق زارع شبلی

خیلی وقتها تک وتنهامی نشست یک گوشه و توی فکر

فرومی رفت. رفتم سراغش و گفتم: لااقل حرفت را به من که

مادرت هستم بگو!

حسینعلی گفت: دوست دارم بازهم بروم جبهه.

گفتم: میروی جبهه و آنجا شهید میشوی ها!

خندید و گفت: این همه جوان میروند جبهه، من هم مثل آنها!

پسرم عاشق شده بود و نمیتوانستم جلوی یک آدم عاشق را

بگیرم تا به سمت معشوقش پرواز نکند.

ص:۲۲

فرزند: صادق زارع شبلی و آمنه خاتون

تولد: قائمشهر مازندران – ۷/۹/۱۳۴۴

شهادت: شلمچه – ۲۲ /۱۰/۱۳۶۵ – عملیات کربلای ۵

سن: ۲۴ سال



حشمت الله رضایی

دوستانش شهید شده بودند؛ اما قسمت او یک ترکش ریز شده بود. نشسته بود همانجا، بالای سر پیکر رفقایش، سرش را گذاشته بود روی بازویش و زارزار گریه می کرد. می گفت: خدایا! باز هم مجروح‌شدن قسمت من است؟!

خمپاره ای چند متر دورتر نشست توی زمین و یک تکه ترکش بزرگ پروازکنان رفت سمت او...

ص:۲۴

فرزند: خیرالله رضایی و فاطمه اکبرزاده

تولد: آمل - ۳/۱۰/۱۳۴۵

شهادت: شلمچه - ۴/۱۰/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۴

سن: ۲۳ سال



رضا صباغی

شهید رضا صباغی

سال ۷۵ بود که چهارتکه استخوان برایم آوردنـد. گفتم: رضای من، وقتی رفت روی پای خودش بود، خوش قـدوبالا، هفتاد کیلو وزنش بود، اینکه برایم آورده اید هفتاد سیر هم نیست! رضای خوش قدوبالای من کجا و این استخوان ها کجا؟!

ص:۲۶

فرزند علی محمد صباغی و محترم خودنیا

تولد: بجنورد - ۱۹/۵/۱۳۴۵

شهادت: منطقه حاج عمران -۳۱/۲/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۲

تاریخ رجعت:۱۰/۱۱/۱۳۷۴

سن:۲۰سال



رضا مرادی زرمهری

خیلی ها می پرسیدند: چه لقمه ای به رضا دادید که اینطور از آب درآمد؟

راستش را بخواهید وقتی رضا شیرخواره بود می نشستم پای روضه و مصیبت امام حسین (ع) و هرازگاهی که به او شیر می دادم، می دانستم با اشک بر مصیبت آقایمان حسین (ع) آمیخته شده است

و گلوی خشکش را سیراب می کند. شاید همان اشک ها و لقمه حلالی که پدرش می گذاشت سر سفره مان باعث شد، رضایمان جلوتر از همه مان زیارت آقا امام حسین (ع) نصیبش شود.

ص:۲۸

فرزند: محمد مرادی زرمهری و منیژه تخت چی کرمانی

تولد: تربت حیدریه - ۱/۳/۱۳۴۴

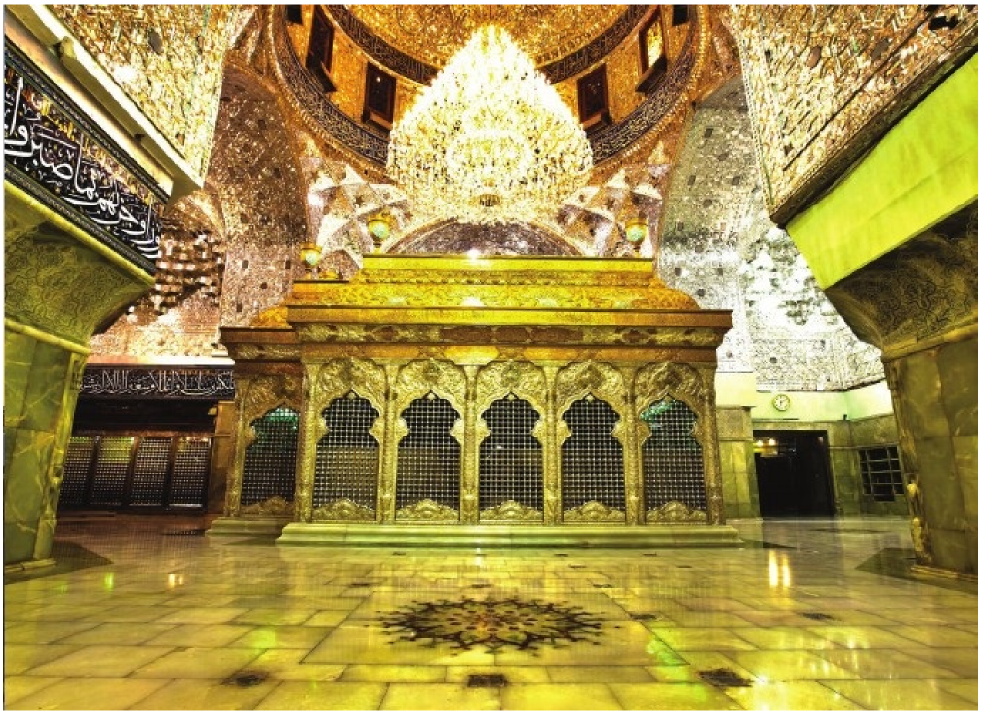
شهادت: شلمچه - ۱۸/۱/۱۳۶۶ - عملیات کربلای ۸

رجعت: ۷/۸/۱۳۷۵

سن: ۲۲ سال



تصویر



ص:۳۰

تصویر



ص:۳۱

بهبود نورعلیی

شهیدبهبود نورعلیی

پدروپسر عجیب دلبسته هم بودند. توی راه جبهه بود که خبردادند پدرش به رحمت خدا رفته است. گفته بود؛ حالا ـ که آقایم فوت کرده، دیگر دل آمدن ندارم. الآن رسیدن به جبهه، مهم تر از رسیدن به مراسم عزا و ختم آقاجانم است.

دو ماه نشده بود که خبردادند؛ مفقود شده است. سه سال طول کشید تا پیکرش برگردد

وقتی از راه رسید، گلبارانش کردند و او را روی دست بردند. به وصیت خودش، همسایه آقا قربانعلی شد و بعد از سال ها پدروپسر کنار هم آرام گرفتند.

ص:۳۲

فرزند: قربانعلی نورعلیی و طاهره ترکمن

تولد: تویسرکان – ۶/۹/ ۱۳۴۵

شهادت: اروندرود – ۴/۱۰/۱۳۶۵ – عملیات کربلای ۵

سن: ۲۰ سال



مهدی اثنی عشری

شهیدمهدی اثن یعشری

مرام و مسلک خاص خودش را داشت، نوشته بود: آنگاه که حسین علیه السلام و حمزه علیه السلام را شهید خطاب کنند، می ترسم که خویشتن را بدین اسم و عبارت بنامم...؛ اما حداقل مُردن را و رفتن را، می توانم بر خود بار کنم، چون انتها و آغاز هر ذی شعوری است.

ص:۳۴

فرزند: عبدالعلی اثنی عشری و آذردخت مکارم شیرازی

تولد: شیراز - ۱/۱۰/۱۳۴۱

شهادت: شلمچه - ۲۷ / ۱۰ /۱۳۶۵- عملیات کربلای ۵

رجعت: ۲۵/۱۰/۱۳۶۵

سن: ۲۴ سال



حمید یعقوبی

گفتم: آقا! بیست وپنج سال قبل قول وقراری بین من و حمیدآقا بود، چند شب است، به خوابم می آید که چرا به قولت عمل نمی کنی؟

پرسید: چه قولی؟ چه قراری؟

گفتم: حرفش این بود؛ شهید می شود. گفتم: من بیست سال است، خدمت می کنم و خبری از شهادت نبوده، تو پنج روز نشده، آمده ای و می گویی قرار است شهادت نصیبت شود؟ اگر شهید شدی، همین ساختمان اطلاعات شهرمان را به نامت می زنیم! دو روز بعد خبر دادند؛ شهید شده است!

ص:۳۶

فرزند شهید محمدحسن یعقوبی رزگی و فاطمه حجتی

تولد: تربت حیدریه - ۱۰/۵/۱۳۵۶

شهادت: تربت جام -۳ / ۵ /۱۳۸۰

سن: ۲۴ سال



ص:۳۷

محمد مرادی فرد

مادرمان می گفت: این پسر زمین تا آسمان با شماها فرق می کند. شاید تنها پسر فامیل باشد که زودتر از مادرش برای خواندن نماز صبح بیدار می شود و او را بیدار می کند!

راست میگفت. وقتی خودش برای نماز بیدار می شد با صدای بلند روضه حضرت ابوالفضل را می خواند و ما کوچکترها که سخت بیدار میشدیم، از جایمان بلند می شدیم و بلافاصله نماز می خواندیم.

ص:۳۸

فرزند: ابراهیم مرادی فرد و مریم گلی

تولد: مشهد - ۲۴/۶/۱۳۴۳

شهادت: شلمچه - ۴/۱۰/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۴

سن: ۲۲ سال



نوشته بود: خدایا! دردمندم! روحم از شدت دردمندی می سوزد! قلبم می جوشد! احساسم شعله می کشد و بندبند وجودم از شدت درد صیحه می زنـد! ... تلاشـگران راه حق را خداونـد هـدایت می کنـد و این هـدایت نه فقط نشان دادن راه است و بس، بلکه گاهی فراتر و حتی والاتر! وصول به مطلوب و معشوق است.

عملش کرده بودنـد. اوضاع خوبی نداشت و هنوز به هوش نیامده بود. با خودش حرف می‌زد. خوب که گوش‌هایم را تیز کردم فهمیدم، دعای کمیل می‌خواند.

ص:۴۰

فرزند: علی اکبر حسین پور ازغدی و ام البنین ازغدی

تولد: مشهد - ۶/۴/۱۳۴۴

شهادت: پاسگاه زید (شلمچه) - ۲۷/۱۰/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۵

سن: ۲۱ سال



تصویر



ص:۴۲

تصویر



ص:۴۳

محمدرضا اویسی ثانی

شهیدمحمدرضا اویسی ثانی

قبل از عملیات نوشت: می دانم شـهادت نصـیب هر کسـی نمی شود؛ اما خداونـد رحمان است و رحیم. [خدایا!] اگر این شایسـتگی در وجودم هست، بر من منّتی نِه و مرا از جمال خویش محروم مگردان.

همان شب، دیدن جمال یار، نصیبش شد.

ص:۴۴

شهیدمحمدرضا اویسی ثانی

فرزند: محمدناصر اویسی ثانی و معصومه محروقی

تولد: نیشابور - ۶ /۱۰/۱۳۴۱

شهادت: شلمچه - ۲۶ /۹/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۴

رجعت: ۱/۱۰/۱۳۶۵

سن: ۲۴ سال



گفت: عمه! پیامبرصلی الله علیه و آله وسلم فرمودند؛ دعای عمه در حق برادرزاده یتیمش مستجاب می شود. من دعا می کنم و شما آمین بگویید، باشد؟

با خودم گفتم؛ طفل معصوم حتماً دوست دارد زن صالحی نصیبش شود و محتاج دعای دیگران است. گفتم: باشد عمه جان، تو از من جان بخواه!

رفت زیر آسمان ایستاد و گفت: خدایا! شهادت را نصیبم کن!

من هم بی هوا و از ته دل گفتم: آمین!

ص:۴۶

فرزند: محمود طالبی شورکی و فاطمه شیخی شورکی

تولد: شهیدیه میبد یزد – ۱/۱/۱۳۴۵

شهادت: شلمچه – ۴ /۳/۱۳۶۷

رجعت: آبانماه ۱۳۷۴

سن: ۲۲ سال



نعمت الله پیغان

شهیدنعمت اله پیغان

می گفتند: با این سوادی که شوهرت دارد، عجیب است می رود توی روستاهای دورافتاده تبلیغ و تدریس می کند؛ اما خودم می دانستم دردش، درد مردم بود. دوست داشت بهترین دانسته‌هایش را به همان افراد منتقل کند. بارها به چشمم دیده بودم وقتی قرار بود یکساعت سخنرانی کند، شب ها و روزهای زیادی از کتب مختلف فیش برداری می کرد. همان فیش ها را بعد از شهادتش تایپ کردند شد حدود سه هزار صفحه!

حال خوبی نداشتم. روز تولدم را فراموش کرده بود. دفتری داشتم که هروقت دلم می گرفت، تویش می‌نوشتم. رفتم سراغش. لای همان دفتر کارت زیبایی پیدا کردم که رویش نوشته بود: ببخشید، دستم تنگ بود و نتوانستم چیزی در شأن برایت تهیه کنم!

فقط خدا می داند چقدر خوشحال شده بودم.

به نقل از همسر شهید

ص:۴۸

شهیدنعمت اله پیغان

فرزند: دوست محمد پیغان و بیگم چشک نادری

تولد: زابل - ۵/۸/۱۳۵۴

شهادت: منطقه تاسوکی (جاده زابل - زاهدان) - ۲۵/۱۲/۱۳۸۴

سن: ۳۰ سال



محمد بذرافکن

شهیدمحمد بذرافکن

آمد سراغم، به شوخی و جدی گفت: مادر! خدا به شما شش تا پسر داده، باید خمسش را بدهید!

حریف زبان شیرینش نمی شدم. با خنده ادامه داد: وقتی من را آوردند، بگویید این جوان دست ما امانت بود، حالا روی طبق گذاشته اند تا ببریم بدهیم به صاحبش.

روی طبق آوردنش. گفتم: خدایا! این هم از امانتی که چندسالی خدمتش را کرده بودیم.

ص:۵۰

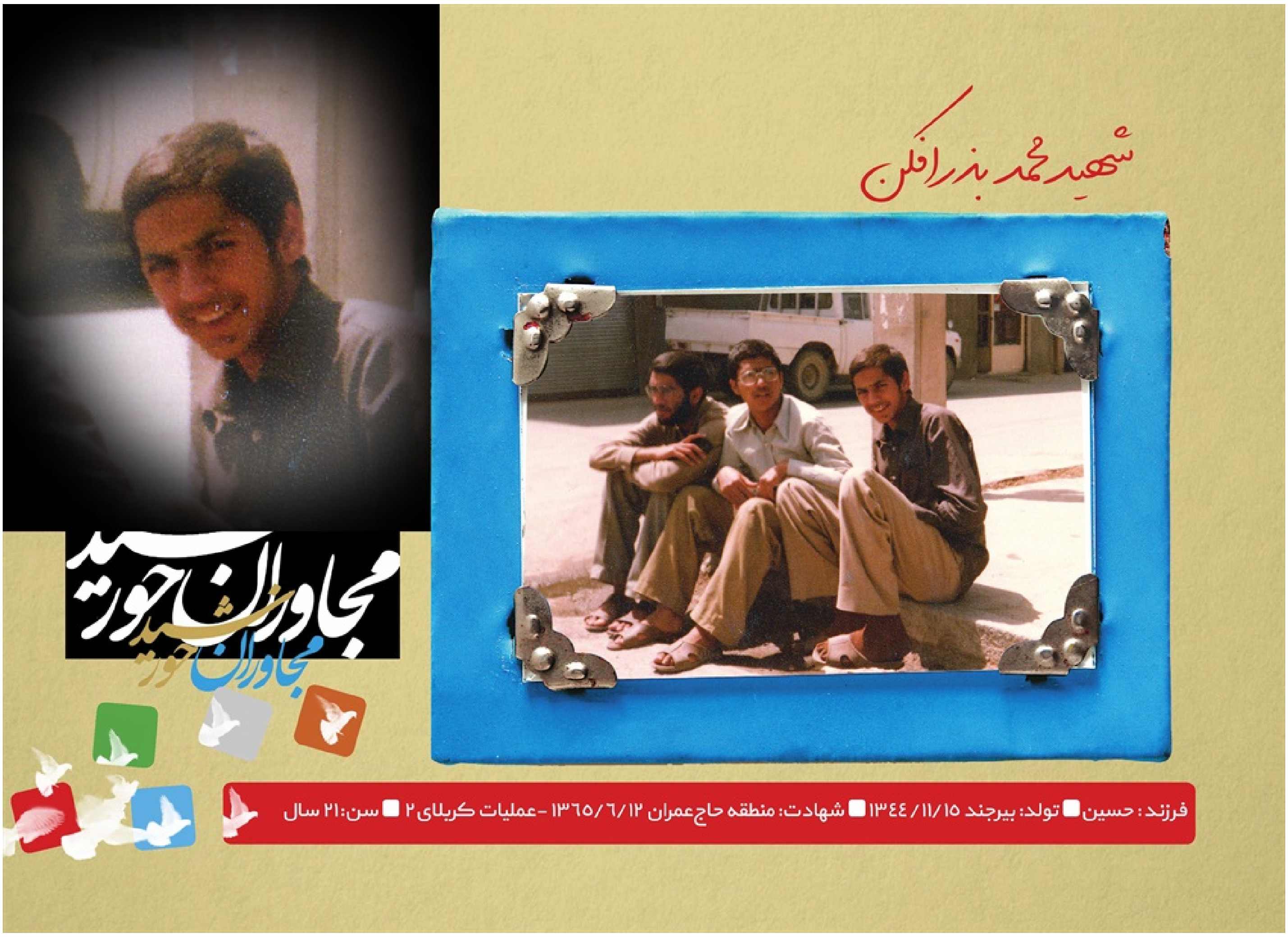
فرزند: حسین بذرافکن و کنیزرضا بنّازاده

تولد: بیرجند - ۱۳۴۴ /۱۵/۱۱

شهادت: منطقه حاج عمران - ۱۲/۶/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۲

رجعت: ۳۱/۲/۱۳۶۶

سن: ۲۱ سال



تصویر



ص:۵۲

تصویر



ص:۵۳

علیرضا یزدی

شهید علیرضا یزدی

گفته بودی: دوست دارم به مردم کمک کنم، بروم جایی که درس خواندنم به دردشان بخورد. دوست دارم من هم مثل این همه جوان، سرباز امام خمینی رحمه الله باشم. خوش به حال امام که این همه سرباز فداکار دارد، کاش می شد من هم به این جمعیت اضافه می شدم.

مادرت هر روز می رفت می نشست سر مزارت و زارزار گریه می کرد. می گفت: دیدی مادر؟ آخرش به آرزویت رسیدی، هم توانستی سربازی آقا(ع) را کنی، هم توانستی به مردم خدمت کنی؟ حالا به فیضی رسیده ای که پیرمردهای ما بعد از نود سال عبادت به آن نرسیده اند! اینکه می آیم می نشینم اینجا گریه می کنم خدایی ناکرده از سر ناشکری نیست، از سر دلتنگی این دلِ وامانده ام است مادر!

ص:۵۴

فرزند: رمضانعلی یزدی و نرجس خاتون منجمیان

تولد: نیشابور - ۱/ ۱/ ۱۳۴۴

شهادت: جزیره مجنون - ۲۸/۱۱/۱۳۶۶

سن: ۲۲ سال



ص:۵۵

سعید محمودیان عطاآبادی

شهید سعید محمودیان عطاآبادی

رفته بودم مسجد، آنطرف پرده صدای کسی را شنیدم که با شور و غوغای عجیبی نماز می خواند. طاقت نیاوردم و پرده را زدم کنار، دیدم سعیدِ خودمان است که با آن حس و حال به نماز ایستاده.

پدرم همیشه می گفت: این سعید به مقامی می رسد که شما به فکرتان هم نمی رسد.

پدرم اشتباه میکرد. از وقتی پایش به جبهه رفتن بازشده بود، می‌دانستم سعیدم به چه مقامی خواهد رسید.

ص:۵۶

شهید سعید محمودیان عطاآبادی

فرزند: قربانعلی محمودیان و عزت محمودی

تولد: شهرضا دهاقان اصفهان - ۵/۱/۱۳۴۲

شهادت: شلمچه - ۲۱/۱۰/۱۳۶۵ - عملیات کربلای ۵

سن: ۲۳ سال



شرف الدین قلی نژاد

شهید شر فالدین قل ینژاد

رفقایش توی فامیل شـهید شده بودند. عجیب دلش گرفته بود. آمد نشـست روبروی مادرش و گفت: مامان! شهاب که رفت، جواد محسنی هم شهید شده، پس من به چه دردی می خورم؟ برای چه هستم؟

بارش را بست و رفت جبهه. خبر دادند جنازه اش آمده است. یکی دونفر رفتند برای شـناسایی. چه دیدند که دل گفتنش را نداشـتند، خدا می داند و بس.

ص:۵۸

فرزند: محمدرضا قلی نژاد و صفیه مشمولی مجاوری

تولد: قائمشهر مازندران - ۱۰/۲/۱۳۴۶

شهادت: شلمچه - ۴/۳/۱۳۶۷

سن: ۲۳ سال



ص:۵۹

باز هم از راه نرسیده، بارشان را بسته بودند تا بروند.

ییلاقشان شده بود کوههای کردستان و قشلاقشان

بیابان ها و هورهای جنوب.

اینجا آرام و قرار نداشتند، آخر عادت کرده بودند

به کوچیدن ...

ص:۶۰

تصویر



ص:۶۱

چندین هزار روز گذشته است از سربند بستنِ تو و سیلاب

اشک های مادرت؟

چندین هزار روز گذشته است از رفتن و نیامدن یا پاره پاره

آمدنت؟

چندین هزار روز گذشته است؛ از روزهایی که این م نحقیر،

بی اختیار فراموش کردمت؟!

ص:۶۲

تصویر



ص:۶۳

تصویر



درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹